

رسیدن به آزادی

خطبه ای از انجیل رومیان فصل 14 ایه 17-19



زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست؛ بلکه شامل نیکی و آرامش و خوشی در روح القدس است. 18. هر که مسیح را به این طریق خدمت می‌کند، مورد پسند خدا و مقبول انسان است. 19. پس آنچه را که موجب صلح و سازش و تقویت یکدیگر می‌شود، دنبال کنیم.

در هند یا تایلند از فیل‌ها برای کارکردن استفاده می‌کنند. ما در این جا یک تصویر غیر قابل باور را در رابطه با ما بین فیل‌ها و صاحبانشان می‌بینیم. که چطور فیل‌ها با آن جثه بزرگشان و با یک طناب بسیار نازک، گوش به فرمان صاحب خیلی کوچکتر از خودشان می‌باشند. آدم می‌تواند با این فیل‌های بزرگ این کار را بکند چرا که در زمان بچگی فیل‌ها، آنها با یک طناب نازک بسته شده اند بطوری که نتوانند آن را پاره کنند. و بدین ترتیب آن فیلها از زمان کودکی یاد می‌گیرند که دیگر آنها هیچ شانس در برابر پاره کردن آن طناب ندارند. و چیزی که آنها در کودکی یاد می‌گیرند را فراموش نمی‌کنند. و در بزرگسالی هم به این اعتقاد دارند که آنها نمی‌توانند آن طناب بسیار نازک را هیچ وقت پاره کنند. در واقع ما این را می‌دانیم که آن فیل با یک حرکت بسیار راحت می‌تواند آن زنجیر را پاره نماید. و او تنها فقط با یک حقه ای است که گرفتار آن شده است. بخاطر اینکه این فیل‌ها یاد گرفته اند که به این حقه‌ها اعتقاد داشته باشند. و این چنین است که یک حقه عملی می‌شود. و اگر این فیل‌ها بدانند که آنها می‌توانند این طناب را با یک حرکت ساده پاره کنند هر چه زودتر این کار را انجام می‌دهند. امکان دارد یک یا چند نفر از ماها بگوییم که چقدر این فیل‌ها احمق هستند ولی آیا ما انسان‌ها از آنها بهتر هستیم؟ در پیش ما انسان‌ها هم همینگونه است. ما به چیزهای دروغین اعتقاد داریم و نمی‌توانیم از آنها رهایی یابیم. چه کارهایی که ما انسان‌ها انجام نداده ایم زیرا ما آنها را امتحان نکرده ایم؟ چند نفر از انسان‌ها بر اثر تبلیغات و یا وعده‌های دروغین گرفتار شده اند و یا بایستی تحت نظریه‌های بی اساس افراد دیگر زندگی کنند؟ حتی در بین رابطه‌های ما هم همینگونه می‌باشد. مثلاً یک زن و یا مردی در رابطه‌شان به این معتقد هستند که نمی‌توانند همسر خودشان را تغییر دهند و برای همین مشکلات زیادی بوجود می‌آید و باعث از بین رفتن کانون خانواده می‌گردد ما انسان‌ها برای خودمان انقدر دیوارهای دروغین می‌سازیم که خودمان را در آن گرفتار

می کنیم. ما از گفته های پولس رسول این را درک می کنیم که ما همه مسیحیان توسط عیسی ازاد شده ایم. و دیگر گرفتار این زنجیرها نیستیم. او همیشه این را به ما می گوید که ما دیگر تحت فشار قوانین سخت خداوند نیستیم. و عیسی آنها را برای ما برداشته است. و ما بعنوان بچه های ازاد می توانیم خدا را خدمت کنیم و نه مثل یک برده زیر فشارهای قانون خداوند زندگی کنیم. در طول تاریخ همیشه مسیحیانی وجود داشتند که به اعمال خودشان و دستورات سخت خداوند متمرکز بودند. آنها همیشه به این فکر بودند که مبادا کاری اشتباه بکنند که دیگر به زندگی جاویدان نرسند. و دید آنها مدام بر روی خواهر و برادرهای خودشان بود مبادا خطایی از آنها سر بزند. بدین ترتیب آنها با نگاه زهرالود و انگشتی که به سوی آنها نشانه رفته اند و باعث نابودی و تحت فشار قرار دادن آنها شده اند. و همه اینها بخاطر اینکه آنها کاری اشتباه انجام داده اند. ماجرا از انجا شروع می شود که بعضی از این مسیحیان برای ازار دادن دیگران، خودشان را بنده ای ازاد می دانسته و برای همین اعمال اشتباه انجام می دادند تا دیگران را تحت فشار روحی قرار دهند. پولس باز هم در اینجا به این اشاره می کند که: ای عزیزان شما خودتان و دیگران را با افکار تان گرفتار کرده اید. و دیگر راهی برای ازادی خود نگذاشته اید. بلکه این مسیحیان وضعیت بهتری نسبت به ان قیل های داستان ما ندارند. که به یک چیزهای دروغین اعتماد دارند. آنها بجای اینکه به عیسی متمرکز شوند به خود و قوانین سخت خداوند می نگرند. و بخاطر همین همه اینها به نابودی پیش می رود. مسیحیان باهم دیدار می کنند و باهم مراسم عبادت برگزار می کنند. ولی مدت زیادی است که دیگر عیسی در بین شان نیست بلکه آنها بر سر موضوعی که چه کسی اعمال اشتباه انجام می دهد بحث می کنند.

زیرا پادشاهی خدا خوردن و نوشیدن نیست؛ بلکه شامل نیکی و آرامش و خوشی در روح القدس است

ما در اینجا می توانیم برای این گونه افراد که قوانین سر سخت غذا خوردن را رعایت می کنند مطالب خنده دار بگوییم. آنها می گویند ما دیگر به این اعتقاد نداریم که اگر ما گوشت خوک و یا الکل بخوریم به بهشت نمی رویم. ایا نمی تواند یک مسئله شبیه به این موضوع در بین ما انسان ها باشد؟ وقتی که صحبت بر سر کارهایی که ما انجام می دهیم و یا اجازه می دهیم تا آنها رخ دهند باشد ما همیشه یک خطکش اندازه گیری می گیریم و میبینیم که چه کسی چه کاری اشتباهی انجام می دهد. این فرهنگ ما می تواند نقش زیادی هم در این باره بازی کند و حتی این فرهنگ می تواند بر روحیه و رفتار مسیحی ما نیز اثر گذاشته و با یک دید متفاوت همه را به قصد امتحان کردن نگاه بکنیم. من چگونه باید بعنوان یک مسیحی زندگی کنم و یا لباس بپوشم؟ حال چه می شود اگر من یک گناهی انجام بدهم؟ با این گونه سوال ها ما همیشه به دور خودمان می گردیم. و بدون عیسی ما در گناه و در یک زندان باقی می مانیم. اگر ما بخواهیم همین رویه را ادامه بدهیم ما از ان دسته از ادم ها می شویم که عیسی آنها را ازاد کرده است ولی ما دوست داریم که باز هم خودمان را به زنجیر گرفتار نماییم. بدون عیسی ما یک زندانی بیش نیستیم. ما نیاز نیست که ان را حدس بزنیم چرا که ما بدون عیسی به هیچ عنوان شایسته ملکوت خداوند نیستیم. ما در اینصورت خدمتگذار شیطان می شویم و همیشه به سمت اهداف این طبیعت دنیوی می رویم. و ما در اخر یک بازنده ای بیشتر نمی شویم هر چند که ما فکر بکنیم که ما اعمال زیاد خوبی را انجام داده ایم ولی باز هم فایده ای ندارد. اگر ما همچین انتظاری داشته باشیم مثل ان می ماند که از یک دستکش کثیفی که در سطل اشغال قرار دارد انتظار داشته باشیم برای خودش بیرون آمده از سطل و برای ما یک استکان چایی بیاورد. همان کاری که ان دستکش نمی تواند انجام دهد ما هم نمی توانیم ان کارهای گفته شده را به تنهایی انجام دهیم. عیسی ولی باز هم ما را با خودش برداشت و در زندگی خودش قرار داد. و او از طریق روح القدس در ما و در نزد ما هنوز زندگی می کند. و این عیسی که در زندگی ما قرار دارد پایه همه اعمال ما هست. همان سخنی که پولس نیز گفته است: عدالت، صلح و خوبی در روح القدس. بلکه این معجزه نیز قابل اجرا است. اگر من ان دستکش کثیف را از سطل اشغال برداشته و دست جان دار خودم را در ان بی اندازم و با ان کارهای خوبی انجام بدهم. این یک معجزه خیلی خوبی می تواند باشد که یک دستکش از یک جای کثیف حرکت کرده و برای خودش اعمال نیکی انجام می دهد. چیزهایی که ادم از ان انتظار ندارد. همه اینها به خاطر ان است که یک دست زنده درون ان قرار دارد و باعث حرکت کردن ان می شود. ای عزیزان ما مسیحیان هم همینگونه هستیم ما در اصل هم همانند ان دست کش کثیف هستیم که در جایی کثیف زندگی می کنیم. ما نمی توانیم خودمان را به خودی حرکت بدهیم چراکه ما در خود مرده ایم. ولی در ان جا روح القدس از طرف عیسی آمده و در ما قرار می گیرد و چیز غیر

ممکن را ممکن می سازد. ما می توانیم عدالت ، آزادی و شادی را در روح القدس تجربه کنیم. ولی در زندگی ما مسیحیان چیزهای خیلی زیادی را اجازه می دهیم قرار بگیرند و دیگر جایی برای مانده روح القدس نمی گذاریم. و در اینجا است که سخن پولس به میان می آید که می گوید: ما مسیحیان به چیزهای ظاهری اعتقاد بیشتری نسبت به عیسی داریم. و در آن حالت ما اصلاً متوجه آن نمی شویم که در زندگی و اجتماع مسیحی مان چقدر ضعیف شده ایم. ما دیگر با نور عیسی نمی درخشیم بلکه با نور فرهنگ مسیحی مان. که در آن صورت ما باعث سرنگونی خودمان می شویم و روح القدس بایستی تمام وجود ما را دوباره پاک سازی نماید. آن سنگ بزرگی که در قلب ما هست باید بیرون کشیده شود تا جای آن را روح القدس بگیرد. اگر من بخواهم که دستکش کتیف خودم را دست بکنم اول باید من اشغال های آن را در بیآورم تا دستم را راحت در داخل آن فرو ببرم. بدین ترتیب دست من دیگر اسببی نمی بیند و همچنین آن دستکش از وجود دست تمیز من و از وجود هیچ مزاحمتی خوشنود می شود. ای عزیزان ، اینگونه می تواند زندگی در روح القدس دلپذیر باشد. پولس می گوید که ما برای خدمت گذاری به عیسی آماده ایم. این عیسی است که مشخص می کند چه چیزی در زندگی من مناسب است و چه چیزی بایستی از زندگی من دور ریخته شود . البته ما می توانیم هم مثل آن فیل ها که در هندوستان کار می کنند باشیم بجایی که ما ایمان داشته باشیم که ما از طریق غسل تعمید به عیسی متعلق هستیم می توانیم به این اعتقاد داشته باشیم که هنوز زیر فشار عوامل بیرونی مان هستیم. هرچند که ما غسل دیده ایم و یکی از بنده های خدا هستیم باز هم به این اعتقاد داریم که همانند آن دست کش کتیف هستیم که در سطل اشغال گیر افتاده ایم. چه شادی وجود دارد وقتی که روح القدس در ما خانه بکند و راهش را در ما ادامه دهد . این چه حس خوبی است که از روح شادی بخش روح القدس درون ما به بیرون بدرخشد. این هم خیلی زیبا می شود اگر ما هم یک روزی مثل آن فیل ها آزادی مان را تجربه کنیم. که آن را خدا دوست دارد به ما هدیه دهد. امین.